

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۷

کار دموکراتیک انقلابی و غیر انقلابی

کار دموکراتیک و دیدگاه های متفاوت

(۹)

۳- کار دموکراتیک ارتجاعی و غیر انقلابی «اکتوبریست» ها:

۲. انجوازم:

انجوها تشکلات «غیر دولتی» اند که در کشور ما به وسیله امپریالیست ها تمویل می گردند تا پروژه های کوچک و کم مصرفی را پیش ببرند و مردم را با قطره چکان اقتصادی و بازسازی به اعتیاد بکشانند و در نهایت به گفته "ارونداتی رای" مقاومت مردمی را انجوازه کنند.^۱

^۱ ارونداتی رای نویسنده هندی، انجوها را به بهترین نحوی تشریح کرده است. او در سخنرانی «انجوازه کردن مقاومت مردمی» می گوید: «خطر دیگری که جنبش های توده ئی با آن مواجه اند، انجوازه شدن مقاومت است... اکثر انجوهائی که بودجه قابل توجهی دارند توسط اژانس همباری و توسعه هدایت و به لحاظ مالی تأمین می شوند که خود این اژانس ها از دولت های غربی، بانک جهانی، سازمان ملل و برخی شرکت های چندملیتی بودجه می گیرند. هر چند که این اژانس ها کاملاً شبیه به هم نیستند ولی همگی از یک ساختار کل و گشاد سیاسی هستند که پروژه های ننولیرالی را تحت نظارت داشته و در وهله اول خواستار قطع بودجه های رفاه اجتماعی توسط دولت است... انجوها این احساس را به وجود می آورند که خلای حاصل از قطع خدمات دولتی را پر می کنند و البته این کار را می کنند، اما به شیوه ای که به لحاظ مادی بی نتیجه است. نقش واقعی آنها فرو نشانیدن خشم سیاسی {مردم} و کمک و خیرات چیزی است که مردم بر اساس حق شان داشته باشند. انجوها ذهنیت عمومی را تغییر می دهند. مردم را به قربانیان وابسته تبدیل کرده و تیغه مقاومت سیاسی را کند می کنند. انجوها بین حاکم و مردم، بین امپراتور و رعایا، حائلی به وجود می آورند. آن ها به میانجیان، توضیح کنندگان و تسهیل کنندگان {عمال دولت} تبدیل شده اند. در نهایت، انجوها باید به بودجه گذاران خود حساب پس بدهند نه به مردمی که در میان شان کار می کنند. گیاه شناسان احتمالاً انجوها را در رده گونه های مقاوم ارزیابی می کنند. (خنده حضار)

انگار که هر چه فلاکت ناشی از ننولیرالیزم بیشتر است، شیوع انجوها هم افزون تر است. ناخوشایندترین شاهد مثال، آن زمانی است که ایالات متحده آمریکا خود را آماده حمله به یک کشور می کند و همزمان با آن انجوها را مهیا می سازد تا وارد شوند و ویرانی جنگ را پاکسازی کنند.

برای این که مطمئن شوند بودجه شان به مخاطره نمی افتد و حکومت های محلی به آن ها اجازه ادامه فعالیت می دهند، انجوها ناچارند کار شان را در چهارچوب سطحی و کم و بیش عاری از بستر سیاسی یا تاریخی معرفی کنند. در واقع در یک بستر سیاسی و تاریخی نامناسب گزارش های غیر سیاسی (و در نتیجه به شدت سیاسی) از مصایب کشورهای فقیر و مناطق جنگی. نهایتاً، مردم «تیره» «پوست» «این کشورها «تیره» {روز} را همچون قربانیان بیمارگون جلوه می دهد.

باز هم یک هندی مبتلا به سوء تغذیه، باز هم یک اتیوپیایی قحطی زده، باز هم یک اردوگاه پناهندگان افغان، باز هم یک سودانی نقص عضو شده، همگی محتاج کمک سفید پوستان. این ها ناخوابسته کلیشه های نژادپرستانه را تقویت می کنند و مجدداً بر دستاوردها، کمک های رفاهی و همدردی {عشق سختگیرانه} تمدن غرب صحه می گذارند.

این ها میسیونرهای (مبلعین دینی) سیکولار دنیای مدرن هستند. اما در نهایت در مقیاس کوچکتر اما موذیان تر، سرمایه ای که در اختیار انجوها قرار می گیرند، در سیاست های الترناتیو همان نقشی را ایفا می کند که سرمایه های احتکارتی که وارد چرخه اقتصادی کشورهای فقیر شده و از آن خارج می شوند، از اینجا به بعد، سرمایه برنامه کار تعیین می کند. تقابل را به مذاکره بدل کرده، از مقاومت سیاست زدائی

انجوها در کشور ما، هم در بخش «بازسازی» و هم در بخش عملی نمودن نظرات اشغالگران کار می کنند تا مردم «دعای سر» آنها را کرده، رام نگه داشته شوند. آنها هرگز کار بنیادی نکرده، کمک های شان شکل مسکن را دارد که در آنها قطعاً تداوی مد نظر نیست. سران انجوها تا وقتی تعهد شش قاته برای بر آوردن منافع اشغالگران نداشته باشند، فندی نخواهند گرفت. هیچ پولی در افغانستان تا زمانی که از تأیید شبکه های استخباراتی این کشورها نگذرد، به مصرف رسیده نمی تواند و معلوم است که روسا و سازماندهندگان انجوها چگونه پول های شبکه های استخباراتی را باید قورت کنند.

اشغالگران غربی در افغانستان انجوها را نهادهای مزدورتر نسبت به دولت پوشالی کنونی می دانند و چون بیش از ۸۵ درصد پول های شان را ازین طریق به مصرف می رسانند، انجوها را نسبت به دولت پوشالی، پوشالی تر تشخیص نموده، بر آنها اعتماد بیشتری دارند.^۲ به این خاطر تأیید انجو در حقیقت تأیید رسمی اشغال افغانستان است. برخی از انجوها پروژه هائی برای انتخابات، تبلیغ جامعه مدنی، عدالت خواهی، راه اندازی اکسیون های قانونی، کمک به اطفال بی بضاعت، برگزاری محافل و غیره را سازماندهی کرده و به خواست های اصلی کمپنی های امپریالیستی لیبیک می گویند و آن را کار برای دموکراسی و عمل دموکراتیک می نامند.

جوایس غربی عموماً از طریق انجو، عده ای مخصوصاً انقلابیون را بی وجدان می سازند و با ریختن پول های هنگفتی به پایهای شان، دعوت به اروپا و امریکا، دعوت به سفارتخانه ها و مهمانی ها، آنان را به مأموران سر به زیر، مطیع و محتاط مبدل می سازند. برخی از افراد و تشکلات چپی که به این خفت و انحراف کشانیده شده اند، جرأت گفتن و نوشتن یک کلمه انقلابی به دفاع از توده های تهیدست و زحمتکش از طریق انجوهاشان ندارند، چون می دانند اگر دونه ها به چنین چیزی پی ببرند، فوراً سوراخ رزق شان را می بندند؛ و این در حکم گرفتن حیات انگلی شان است. پول پروژه و پروپوزل در انجوها عموماً افراد را فاسد و در صورتی که مدعی انقلاب بوده باشند به خرده بورژوا ها مبدل

می کند. در جنبش های مردمی که به طور سنتی متکی به خود بوده اند، مداخله می کند. انجوها بودجه ای دارند که با آن می توان مردم محلی را که شاید در صورت نبود این بودجه ها فعالان جنبش های مقاومت می بودند استخدام کرد. اما حالا این مردم احساس می کنند که کار اضطراری و خلاقانه انجام می دهند و در این حین درآمدی هم دارند.

مقاومت سیاسی واقعی به هیچ وجه پیشنهادی چنین میان برهائی نمی دهد. انجوایزه کردن سیاست خطری است که مقاومت را به یک شغل آبرومند، معقول و با حقوق ماهانه و تمام وقت، تبدیل می کند و گهگاه مزایائی هم به آن اضافه می شود. مقاومت واقعی اما عواقب واقعی دارد و نه حقوق ماهانه...» (تأکیدات از ماست.)

² «سازمانهای غیردولتی با انجام وظایف مختلف انساندوستانه که هر یک به نحوی از انحاء با معضلاتی مثل فقر، حفظ محیط زیست و آزادیهای مدنی مرتبط هستند، به مهم ترین جزء صحنه جهانی در قرن بیست و یکم تبدیل می شوند. همراه با این، سازمانهای غیردولتی دارای جانب تاریکی نیز می باشند. آنها در مناسبات بین المللی، از جمله از سوی ایالات متحده امریکا به عنوان یک ابزار مورد استفاده قرار می گیرند. ایالات متحده امریکا ضمن اتکاء بر قدرت نظامی، اینک از سازمانهای غیردولتی به مثابه ابزاری برای اجرای سیاست خارجی خود استفاده می کند... ایده تأسیس سازمان غیردولتی از همان ابتداء به مثابه ابزار سیاست خارجی امریکا مطرح شد و آن، مولود اندیشه "الان و اینشتاین" بود که تا زمان تشکیل آن، پروفیسر دانشگاه های براون و جرج تاون بود و در تحریریه «واشنگتن پست» کار می کرد و نیز مدیر اجرایی مجله «واشنگتن کوآرتلی» از انتشارات مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین المللی- اتاق فکر جناح راست محافظه کاران بود که می بایستی در آینده به ستراتیژیستهای امپریالیستی مانند هنری کیسنجر و زیگنو بژنسکی بپیوندد. او در مصاحبه ای در سال ۱۹۹۱ گفت: «بسیاری از آنچه را که ما امروز انجام می دهیم، ۲۵ سال پیش سازمان سیا مخفیانه انجام داده است... در دوره حاکمیت بوش، دولت ایالات متحده امریکا سازمانهای غیردولتی را به حساسیت هر چه بیشتر نسبت به خواستهای خود وادار ساخت. در سال ۲۰۰۳ مدیر بنیاد کمکهای امریکا، اندرو ناتسیوس (Andrew Natsios) در جریان سخنرانی خود در کنفرانس سازمانهای غیردولتی اظهار داشت که، خود بقای رژیم کرزی در افغانستان به چگونگی رابطه بین سازمانهای غیردولتی و سازمان کمکهای امریکا بستگی دارد... در ارتباط با اوضاع عراق، ناتسیوس خاطر نشان کرد: زمانی که سخن از کار سازمانهای غیردولتی در کشور به میان می آید، صحبت نه فقط به نتایج تأیید شده، بلکه، حتی به تظاهر رابطه بین این نتایج و سیاست امریکا کشیده می شود. به طور کلی، به سازمانهای غیردولتی گفته شده بود که آنها به مثابه دست افزارهای دولت ایالات متحده امریکا و به عنوان بخشی از دستگاه امپریالیزم به حساب می آیند... صرف نظر از آن که سازمانهای غیردولتی در مجموع می توانند تأثیرات مثبتی در جامعه بگذارند، این مسأله را لزوماً باید مورد توجه قرار داد که چه کسانی آنها را اداره می کنند و مخارج سازمانهای غیردولتی که ماهیت آنها تغییر می یابد، از کجا تأمین می گردد. این سازمانها هر چه بیشتر به دستگاه سلطه امپریالیزم جذب شده و از حاصل استثمار تأمین می شوند. سازمانهای غیردولتی سرعت به میسیونهای امپریالیزم تبدیل می شوند.» (سازمانهای غیردولتی: میسیونهای امپریالیزم - دیون دی بی)

می سازد و در درون تشکیلات سیستم ارباب - رعیتی را حاکم می کند که گاه پنهان، گاه ملایم و گاه هم به شکل خشن علیه صفوف تبارز می نماید.

پول انجوها سرپای یک سازمان انقلابی را به فساد می کشد و اعضای آن را با فساد سیاسی عادت داده، بی باور به انقلاب ساخته و برش انقلابی را از آنان می گیرد. بعضی از اینان که نمی خواهند به زودی نقاب انحراف شان پاره شود و سیاست شتر مرغی دارند، برای بازی دادن مأموران سر به زیر شان به تئوری جالب و مسخره ای پناه می برند و آن این که: «ما از طریق انجوها از اشغالگران پول می گیریم و در چشم شان خاک می پاشیم و این امکانات را در راه انقلاب به کار می گیریم؛ ما اگر از یکسو به قصر سفید می رویم و مورد عنایت اوباما و هلری کلنتن قرار می گیریم، از طرف دیگر ضد اشغالگران امریکائی تظاهرات می کنیم و چپ نمی نشینیم. انجوهای ما مردمی است و مثل سایر انجوها که دم شان زیر پای اشغالگران قرار دارد، دم ما زیر پای اشغالگران نیست!»!

اینان ساده لوح نیستند، اما فکر می کنند که دیگران نادان و احمق اند. لابد اشغالگران باید حساب و کتابی داشته باشند که ضمن «شروع» شعار دادن ضد اشغالگران پس از یک دهه اشغال و جنایت، این همه پول به این تشکلات بریزند؟ وقتی یک تشکل بر تمام ابزارهای اشغال صحه بگذارد و بکوشد جنبش انقلابی شعله ئی را که یگانه دشمن خونی اشغال و امپریالیزم است، چنین منحرف نموده و گردن فراز این جنبش را به پای اشغالگران خم سازد، «مرگ بر اشغالگران» این نوع تشکلات که به خصوص در «چارچوب قانون اساسی» باشد، نه تنها امپریالیزم را آزار نمی دهد، بلکه آن را از جنبه های مثبت دموکراسی اشغالی جار زده و به سود سیاست های اشغالگرانه خود می داند. تئوری مسخره و بچگانه فوق، یک تئوری غیر انقلابی است که فقط باب دل مأمورانی است که تلاش دارند «وجداناً» خود را راضی نگه دارند که در کنار بلعیدن نان انجویی، مبارز هم هستند، آنهم مبارزان دو آتشفشان؛ اما از نظر انقلابیون، مبارزان انقلابی چه که حتی افراد ملی هم به حساب نمی آیند.

عده ای کار انجویی را که با نمایشاتی چون ساختن پل و سرک، سمنت کردن قبر و مزار، جویچه جور کردن و عدالت خواهی بورژوائی، پرورشگاه و شلترسازی همراه است، ظاهراً کار دموکراتیک می نامند. کار انجویی نه تنها کار دموکراتیک انقلابی نیست بلکه دقیقاً ضد کار دموکراتیک انقلابی است که سود آن فقط به جیب اشغالگران می ریزد. اگر قرار باشد که این کارها دموکراتیک تلقی شوند، پس انجوهائی چون «سی. اچ. ای»، «ای. دی. ای» و ده ها انجوی دیگر باید انقلابی ترین و دموکراتیک ترین تشکلاتی در افغانستان باشند که در زمینه های فوق الذکر به هیچ وجه کوتاهی نکرده اند و نزد امپریالیست ها خوب درخسیده اند.

تئوری مسخره و ارتجاعی دیگر در قسمت انجوها، استفاده از انجوها برای پیوندیابی با توده هاست.^۳ این تئوری عمدتاً از طرف کسانی ارائه می شود که ادعای «مائویست» بودن و «جنگ خلق» دارند. کمونیست ها قطعاً نمی توانند انجوها را برای پیوند توده ئی و گسترش فعالیت های تشکیلاتی استفاده کنند. این امر نه تنها کمونیستی و انقلابی نیست، بلکه

^۳ «از جانب دیگر کارهای انجویی به نحوی «سازمان پیکار برای نجات افغانستان» را در خود پیچاند که در واقع کارهای مذکور محوری شد برای گردآمدن سازمان به دور تشکیلات انجو و امکانات انجویی. درین مسیر ظاهراً امکانات خوبی برای گسترش فعالیت های تشکیلاتی سازمانی و فعالیت های توده ئی سازمانی با استفاده از برنامه های انجویی برای سازمان فراهم گردیده بود. اما از این امکانات حداقل استفاده نیز صورت گرفته نتوانست و با توجه به وضعیت مشخص سازمان پیکار در آن زمان، نمی توانست هم صورت بگیرد.» (شعله جاوید، شماره چهارم، دوره چهارم، جدی ۱۳۹۳).

سؤال اساسی اینست که از این سازمان های غیر دولتی (انجوها) که وظایف ۲۵ سال قبل «سی آی ای» را بر دوش گرفته اند، چگونه می توان برای فعالیت های توده ئی کار گرفت؟؟

چیزی که برای تمام توده ها مبرهن است، ماهیت ضد انقلابی انجوهاست که به مثابه سازمان های سایه ئی «سی آی ای» و سایر سازمان های استخباراتی جهان با پول امپریالیزم برای اغفال توده ها فعالیت می کنند، از این رو قطعاً نمی توانیم این مؤسسات را برای فعالیت های توده ئی مورد استفاده قرار دهیم.

ارتجاعی و ضد کار توده‌ئی است. توده‌ها قطعاً بر انجوداران اعتماد نمی‌کنند، چون از اولین روزهای اشغال کشور و گرم شدن بازار انجوها به این نتیجه رسیده‌اند که این نهادها برای امپریالیست‌ها کار نموده و اهداف اشغالگرانه امپریالیست‌ها را عملی می‌سازند و در کنار امپریالیست‌ها به سوداگری «حقوق بشر»، «حقوق زنان»، «حقوق اطفال» و «توسعه دموکراسی» پرداخته به قول «ارونداتی رای» ویرانی جنگ را پاکسازی می‌کنند. انجوها در کنار این‌که ویرانی‌ها، جنایات، غارت، کشتار و قتل و فقر مردم را توسط اشغالگران امریکائی - ناتوئی پاکسازی می‌کنند، در عین زمان خدمتگذاران دولت پوشالی هم هستند.^۴ بیجا نیست که اندرو ناتسیوس مدیر بنیاد کمک‌های امریکا در کنفرانس جهانی سازمان‌های غیر دولتی، بقای رژیم پوشالی کرزی در افغانستان را منوط به چگونگی رابطه بین سازمان‌های غیر دولتی و سازمان کمک‌های امریکا می‌دانست. آیا سازمان‌هایی که به قول آلن واینشتاین (سازمان‌های غیر دولتی یا همان انجوها بر اساس اندیشه‌های او شکل گرفتند) کارهایی که امروز انجام می‌دهند، ۲۵ سال قبل «سی. آی. ای.» آنها را انجام می‌داد، می‌توانند برای توسعه تشکیلاتی انقلابی و کار توده‌ئی مورد استفاده قرار بگیرند و مردمی و انقلابی باشند؟ نه، قطعاً!

اما قضیه وقتی مفتضح‌تر می‌شود که کسی که تا همین دیروز دایرکتر انجوی حمایت از زنان بوده و با دولتمردان امپریالیستی عکس یادگاری قاب می‌زد و در کنفرانس دوم بن به نمایندگی از جامعه مدنی (انجوها و ابزارهای امپریالیستی دیگر) شرکت کرده و برای «حقوق زنان» و «دموکراسی» تکی می‌کرد و تلاش می‌نمود که نقش جامعه مدنی در کنفرانس دوم بن را «برجسته» کند، امروز بگوید: «زن افغان با تضرع به این و آن جی او و پروژه هرگز به آزادی و رستگاری نمی‌رسد.» این واقعاً عوامفریبی و نمک پاشیدن بر زخم‌های زنان ستمدیده کشور ماست؛ همان زنانی که این دایرکتر به نامش میلیون‌ها یورو و دالر برای گرداندن گانش دوشیده است. اما، عوامفریبانه‌تر این‌که آنانی که هنوز از برکت انجوازم نان می‌خورند، اینجا و آنجا سفارش می‌دهند که هدف اصلی انجوها کار برای مردم نه، بل تجارت و به دست آوردن پول است و اشغالگران از طریق انجوها توانسته‌اند به جیب روشنفکران و انسان‌های پیشرو پول بریزند و وجدان آنان را بخرند و به نوکران خود تبدیل کنند!! و عوامفریبانه‌ترین این‌که در یکی از تلویزیون‌ها بگویند که «اولین خیانت امریکا و دولت‌های مزدورئی را که نصب کرده‌اند این بود که تمام این انجوها و نهادهائی را که زیر نام زنان، به استثناء می‌توانیم بگویم که بعضی نهادها واقعاً هم هستند که برای زنان کار می‌کنند و در این بخش کار هم کرده‌اند، ولی اکثریت فقط برای مقام، چوکی و داشتن پول و شهرت بیشتر کار کرده‌اند، شما بیایید مثال بیاورید که کدام یکی از این نهادها هستند که کارهای زیربنائی و بنیادی به زن افغان انجام داده‌اند، پروژه‌ای بسیار

^۴ به طور نمونه یکی از انجوها را که به نام مؤسسه امداد انسانی برای زنان و کودکان افغانستان، ثبت وزارت اقتصاد دولت پوشالی است، مورد ملاحظه قرار می‌دهیم که چگونه با پروژه هایش در خدمت دولت پوشالی قرار دارد. وب سایت وزارت عدلیه دولت پوشالی به تاریخ ۲۵ نومبر ۲۰۱۴ گزارش ذیل را به نشر رساند: «تفاهمنامه همکاری در مورد پروژه زندگی‌های گرانها روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۹/۲ میان وزارت عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان و مؤسسه امداد انسانی برای زنان و کودکان افغانستان (حاکا) به امضاء رسید. این تفاهمنامه را سید محمد هاشمی معین اداری وزارت عدلیه و خانم ناجیه کریمی رئیس مؤسسه حاکا به امضاء رساندند. این تفاهم‌نامه برای مدت سه سال از تاریخ ۲۰۱۴/۸/۱ الی ۲۰۱۶/۸/۳۰ قابل اعتبار بوده و بودجه آن که دو میلیون و یک صد و چهل و دو هزار هشتصد و چهل یورو می‌باشد از طرف دفتر COSPE {مربوط به دولت اشغالگر ایتالیا و اتحادیه اروپا} تمویل و از طرف مؤسسه حاکا تطبیق می‌گردد. نظر به این تفاهم‌نامه مؤسسه حاکا سهولت‌های ذیل را برای وزارت عدلیه {دولت پوشالی} فراهم خواهد کرد:

- ۱- معرفی پروژه به وزارت عدلیه
 - ۲- ایجاد مراکز مساعدت‌های حقوقی برای زنان قربانی خشونت در ولایات کابل و هرات
 - ۳- اخذ ماهانه سه قضیه خشونت علیه زنان از بخش مساعدت‌های حقوقی وزارت عدلیه جهت دفاع از مراجع عدلی و قضائی
 - ۴- ایجاد کورس‌های انگلیسی و کمپیوتر برای زنان در ولایات کابل و هرات
 - ۵- ایجاد کورس‌های حقوقی برای محصلین حقوق در ولایات کابل و هرات
 - ۶- تهیه گزارش ربعوار از فعالیت‌های انجام شده و ارائه آن به وزارت عدلیه.
- مؤسسه حاکا یک مؤسسه غیر دولتی و غیر انتفاعی بوده که از سال ۱۹۹۹ بدینسو در افغانستان فعالیت دارد و تا حال پروژه‌های متعددی را در رابطه به بهبود وضعیت زنان و کودکان تطبیق نموده است.»

زیاد بوده، پروژه های موقت که اصلاً فقط درد زنان را در همان مقطع مشخص دوا کرده، ولی طولانی مدت هیچ راه حلی به زنان نشان نداده» اما، برای این که انجوایزم خود را مردمی و خوب نشان داده باشند، به استثناء سازی انجوها پردازند!! اگر از اینان بپرسیم که لطفاً از انجوهائی نام ببرید که واقعاً برای زنان کار کرده و پول قورت نداده باشند؛ حتماً لال و گنگ می مانند. آیا در افغانستان می توان انجوائی را سراغ کرد که برای زنان واقعاً کار کرده باشد و راه حل طولانی مدت را که همانا رهائی زنان از سه ستم (ستم ملی، ستم طبقاتی و ستم جنسیتی) است، نشان داده باشد؟ نه، هرگز، نه!